

هیچ کس کامل نیست

[بیلی وایلدن: زندگینامه‌ی شخصی]

شارلوت چندلر

برگردان آرش عزیزی



انتشارات نیلا

چندلر، شارلوت، Chandler, Sharlotte

هیچ کس کامل نیست / نوشته‌ی شارلوت چندلر؛ برگردان آرش عزیزی.
تهران: نیلا، ۱۳۹۴.

۴۳۶ ص -- [قلمرو هنر ۲۹۹؛ زیر نظر حمید اسجد]

ISBN: 978-600-5140-01-9

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

عنوان اصلی: NOBODY'S PERFECT: Billy Wilder, a personal biography, c2002

سینما -- ایالات متحده -- تهیه‌کنندگان و کارگردانان -- سرگذشتنامه -- قرن ۲۰ م.

وایلدر، بیلی، ۱۹۰۶-۲۰۰۲ م.

عزیزی، آرش، ۱۳۶۶- : مترجم.

۱۳۸۶ چ ۹۲ / ۱۹۹۸ PN

۷۹۱/۴۳۰۲۳۳۰۹۲

کتابخانه‌ی ملی ایران ۱۱۶۸۷۵۶



انتشارات نیلا

قلمرو هنر [۲۹۹]

زیر نظر حمید امجد

هیچ کس کامل نیست

شارلوت چندلر

برگه‌های آرش عزیزی

با سپاس از همکاری محمد چرم‌گیر، افشین هاشمی، شهرام زرگر، محسن آژرم،

علی‌رضا مافی، نجمه اسعدی، پوریا یوسفی، حسین رحیم‌پور

طراح: ژیل اسماعیلیان

چاپ یکم: ۱۳۹۴

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

چاپ: شرکت چاپ و تصویر

صحافی: سیروس

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۴۰-۰۱-۹

ISBN: 978-600-5140-01-9

قیمت شومیز: ۳۵۰۰۰۰ ریال

قیمت جلد سخت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

هرگونه نقل و استفاده از متن این کتاب بسته به اجازه‌ی کتبی ناشر است.

www.NilaBook.com

Nila@NilaBook.com

تهران - صندوق پستی: ۱۹۵۸۵/۷۵۵ تلفن ۶۶۷۳۴۲۹۸

۹	مقدمه‌ی مترجم
۱۱	پیش‌گفتار
۱۳	معرفی
۲۷	فصل یکم: اروپا
۲۹	روای یوجینیا
۳۳	بیلی، پسر بچه
۴۰	شاهزاده‌ی رویا
۴۳	وین، شهر رویاهای نافرجام
۴۸	تاریخ‌های دینی
۵۱	بارانی‌ها و فروید
۵۷	بلیت یک‌طرفه به برلین
۶۱	نویسنده‌ی بدل با پاشنه‌کش
۶۵	مردم در یکشنبه
۷۱	اوپا
۷۷	بدرود، برلین
۸۰	نویسنده‌ی مهاجر
۹۳	فصل دوم: هالیوود
۹۵	«خوبش رو بنویس»
۱۰۰	شگرد براکت
۱۰۶	آدم‌های سال بعد
۱۱۰	هر سیندرلا نیمه‌شب خودش را دارد
۱۱۳	«نویسنده‌ی بدل در توالت»
۱۱۹	عشاق تقدیر
۱۲۲	سوسک بر کف اتاق تدوین
۱۲۷	داروسته‌ی زبان کوچک
۱۲۹	بزرگ و کوچک

۱۳۹.....	پنج قبر تا قاهره
۱۴۲.....	گرامت مضاعف
۱۵۳.....	تعطیلی ازدست رفته
۱۵۸.....	سرهنک وایلدر، ارتش ایالات متحد
۱۶۵.....	والس امپراتوری
۱۶۹.....	رابطه‌ی خارجی

فصل سوم: افسانه‌ای در روزگارِ خود ۱۷۷

۱۷۹.....	سانست بولوار
۱۹۹.....	تک‌خال در حفرة
۲۰۵.....	بازداشتگاه ۱۷
۲۰۹.....	سابرینا
۲۱۶.....	خارش هفت‌ساله
۲۲۳.....	روح سنت‌لوییس
۲۳۱.....	عشق در بعدازظهر
۲۳۷.....	شاهد برای تعقیب
۲۴۳.....	بعضی‌ها داغش رو دوست دارن
۲۷۱.....	آپارتمان
۲۸۸.....	یک، دو، سه
۲۹۴.....	ایرما خوشگله
۲۹۹.....	احمق، مرا ببوس
۳۰۳.....	شیرینی شانس
۳۰۶.....	زندگی خصوصی شرلوک هلمز
۳۳۰.....	آوانتی!
۳۳۵.....	صفحه‌ی اول

فصل چهارم: افسانه‌ای در روزگارِ دیگران ۳۴۵

۳۴۷.....	فدورا
۳۵۹.....	رفقای صمیمی
۳۶۷.....	نورا دورین! حراج
۳۸۱.....	یفرتیتی
۳۸۴.....	تنها بازمانده از روزگارِ خودم

فیلم‌شناسی ۳۹۵

۴۲۳.....	وایلدر در تصویر
----------	-----------------

مقدمه‌ی مترجم

از ترجمه‌ی این کتاب چند سالی می‌گذرد و مقدمه‌ای که در پی می‌آید نیز هنگام تمام شدن آن ترجمه، حدود هشت سال پیش، نوشته شده. با این حال برای حفظ حال و هوا، آن را همان‌طور که بود، با کمی تلخیص، آورده‌ام. خواننده باید به یاد داشته باشد که مترجم هنگام نوشتن این سطرها، زیر بیست سال سن داشته است.

آوریل ۲۰۱۵، لندن

نمی‌دانم تا به حال چند بار در برابر این سؤال قرار گرفته‌اید که «محبوب‌ترین فیلم تمام زندگی‌تان کدام است؟» اما احتمالاً همین الآن که این یادداشت را می‌خوانید چنین انتخابی را غیرممکن خواهید دانست. نگارنده‌ی این سطور مدت‌هاست که اگر در مقابلی این سؤال تردید کند، در مقابلی سؤال درباره‌ی «محبوب‌ترین کارگردان تمام زندگی» هیچ شکّی به دل راه نمی‌دهد: بیلی وایلدر.

اگر سینما بر سرِ آن باشد که داستان‌هایی انسانی را روایت کند، چند نفر را می‌شناسید که چنین استادانه داستان‌های ناب از انسان‌های معاصرِ خود ارائه دهند و دریچه‌ای به زندگی معاصرِ بشر باز کنند که از «خاص»ترین منتقدان تا «عام»ترین سینماروها شیفته شوند و چیز میبوهت شدن و تحسین کاری ازشان برنیاید؟

شاید بعضی ادعا کنند پیغام وایلدر همان است که از زیان دکترِ درایفوس در آپارتمان می‌شنویم: «آدم باش!» اما خود وایلدر ترجیح می‌دهد دیالوگ دیگری از همان فیلم را به یادمان بیاورد: «دیگه باید یاد گرفته باشم وقتی آدم عاشقی به مرد زن‌داره، نباید ریمل بزنه.»

با این وصف گفتن ندارد که وقتی در یکی از قدم‌زدن‌های همیشگی در کتاب‌فروشی «بوردرز» در کوآلالمپور به این کتاب برخوردم، آن را بلافاصله

دست گرفتم و از آن لحظه به بعد زمین گذاشتنش کار آسانی نبود. در صفحه صفحه کتاب تحسین برای دو نفر وجودم را پُر کرده بود؛ یکی بیلی وایلدر برای زیستنی چنین پُر بار و دیگری شارلوت چندلر برای روایتی چنین کامل و جذاب از این زیستن. تقریباً از همان ابتدای کار تصمیم گرفتم تلاش کنم این کتاب را به فارسی درآورم و در اختیار فارسی زبانان بگذارم؛ و حاصل این تلاش اکنون در دستان شماست.

کار ترجمه‌ی کتاب قریب یک سال طول کشید و در حداقل چهار شهر و دو کشور انجام گرفت (کوالالامپور، پتالینگ جایا، پنانگ، و تهران در مالزی و ایران). در طول این مدت کسانی بسیاری در کار کتاب به من یاری رساندند و ذکر نام تنها تعدادی از آن‌ها در این جا لازم است.

باید با قدردانی از مصطفی عزیزی شروع کنم؛ او بود که چند لحظه پس از دیدن کتاب، امکان تهیه‌ی آن را در اختیارم گذاشت و بدین سان اولین مشوق من در ترجمه‌ی کتاب بود. از آسیه حیدری تشکر می‌کنم؛ او در ماه‌های آخر کار کتاب به یاری من آمد و انجام بسیاری کارهای عملی و اداری را به عهده گرفت. از فیروزه خسروانی تشکر می‌کنم؛ کمک‌های او باعث فهم و درک بهتر فصل «آوانتی!» در کتاب شد. از علا محسنی تشکر می‌کنم؛ او نه تنها در مورد بسیاری از اصطلاحات سینمایی یاری‌ام داد که دو آوانگاری اصطلاحات فرانسوی نیز متکی به او بودم. از مریم فتوادی تشکر می‌کنم؛ بدون کمک او آوانگاری اصطلاحات متعدد آلمانی و اتریشی در کتاب ممکن نمی‌بود. از مصطفی حیدری، بنفشه رمیزی‌پور، مهدی پرویز جلیلی، مهتاب حمیدی صفا و زهرا سلیمانی نیز بسیار سپاسگزارم.

برای پیدا کردن بهترین ترجمه برای اصطلاحات سینمایی بیش از همه وام‌دار عوامل دوست‌داشتنی مجموعه‌ی راه بی‌پایان و به خصوص همایون اسعدیان عزیز بودم. علاوه بر ایشان از سایر رفقای این مجموعه که مرا یاری دادند، خصوصاً مهدی شیرزاد، مریم هژیروند، بابک رضاخانی و فاطمه کمالی تشکر می‌کنم.

و در آخر باید بگویم کار این کتاب بدون کمک دو دوست عزیز که هر جا درمانده بودم به یاری‌ام آمدند، هرگز به پایان نمی‌رسید. از این رو، بی‌نهایت قدردان محمد اسکندری و کامران ملک‌مطیعی هستم.

پیش‌گفتار

بیلی وایلد^۱ به من گفت: «هیچ‌کس کامل نیست» دیالوگی که بیش‌تر از همه چی کار منو خلاصه می‌کنه. با آدم‌های کامل اصلاً نمی‌شه کم‌دی یا درام ساخت.»

«هیچ‌کس کامل نیست» شاید معروف‌ترین دیالوگ فیلم‌های بیلی وایلد و همچنین یکی از معروف‌ترین دیالوگ‌های تمام تاریخ سینما باشد. وایلد^۲ گفت: «جمله‌ی «هیچ‌کس کامل نیست» رو من نوشتم. /یز نوشت.»

ایز، آی. ای. ال. دایموند^۳، دوست قدیمی و همکار وایلد^۴ در نوشتن بعضی‌ها داغش رو دوست دارن بود — فیلمی که با جمله‌ی «هیچ‌کس کامل نیست» تمام می‌شود — و همچنین همکار نگارش آپارتمان، ایرما خوشگله، زندگی خصوصی شرلوک هلمز، صفحه‌ی اول و چند فیلم دیگر.

وایلد^۵ می‌گوید: «رسیدن به یه مرادده‌ی خوب قوی نویسندگی از توی یه زناشویی موفق هم سخت‌تره. تازه این یکی صمیمانه‌تر هم هست. /یز فقط تو نویسندگی همکارم نبود، «خودِ دیگر»^۶ من هم بود، «دیگر - /یز»^۷ من.»

وایلد^۸ همکاری در نویسندگی را نه علم که هنر می‌دانست و پیدا کردن همکار را مثلِ کلیدِ جادویی پیدا کردن همراه در عشق و رابطه‌ی ایده‌آل می‌دید: «مثل زن، معشوق، یا از همه بُردِ دس‌تر به هم رقصِ درجه‌یک.

1- Billy Wilder (1906-2002)

2- I. A. L. Diamond (1920-1988)

3- alter-id

4- alter-Iz

مثل رابطه‌ی زن و شوهرها. باید یاد بگیری چه‌طوری دعوا کنی. باید بتونی راجع به هر چیز جوری بحث کنی که چیزهای پایه‌ای رابطه رو خراب نکنی. مثلاً بوکس قوانین خودشو داره. مشیت پایین کمر بند ممنوع. گاز گرفتن ممنوع. باید دوباره با انگیزه بیای جلو. درست مثل زوج‌های عاشق؛ نباید عصبی برگردی به رابطه.»

وایلدر برایم تعریف کرد: «ایز جمله‌ی "هیچ‌کس کامل نیست" رو فی‌البداهه گفت. داشتیم سعی می‌کردیم فیلمنامه‌ی بعضی‌ها داغش رو... رو به چور مردم‌پسندی تموم کنیم که بفرستیمش برای تکثیر. هی می‌نوشتیم و دور می‌نذاختیم و دیگه ساعت شده بود یک صبح. خسته بودیم، حوصله‌مون سر رفته بود، اما هنوز به دیالوگ لازم داشتیم، که ایز گفت: "خُب، هیچ‌کس کامل نیست!"

من گفتم: "ببین، بخدار فعلاً همین رو روی کاغذ بنویسیم. اون وقت می‌تونیم بفرستیمش واسه تکثیر و خیال‌مون راحت باشه که به چیزی داریم. بعداً چیز بهتری پیدا می‌کنیم. هنوز دو ماه از فیلمبرداری مونده، ایتم که آخرین صحنه‌ی فیلمه." اون موقع این قدر خسته و کوفته بودیم که حالی‌مون نشد همین خودش بهترین دیالوگه.

چون خیلی ساده پیدا شده بود حالی‌مون نمی‌شد. چون یه‌هو جوشیده بود قدرش رو نمی‌دونستیم. خُب دیگه؛ هیچ‌کس کامل نیست!»

چند روز بعد که با آی. ای. ال. دایموند، صحبت بعضی‌ها داغش رو دوست دارن و همکاری او با بیلی وایلدر پیش آمد، به او گفتم بیلی اعتبار معروف‌ترین دیالوگ فیلم را به او داده است.

دایموند گفت: «اُچ، نه! درست نیست. "هیچ‌کس کامل نیست" کار خودش بود. کاملاً دیالوگ خودش بود.»

به این می‌گویند همکاری!